



The moderating role of women in the audit committee and effectiveness of expertise Committee Members to Earnings management

fereshteh feizabadi¹

Received: 2021/05/06

Approved: 2022/02/18

Research Paper

Abstract

The Target of This study is Investigating Effectiveness of Gender and Financial specialization To Earnings management in Tehran Stock Exchange. It is practical in terms of purpose and By gathering evidence From organizational citation in the form of expoŝt factor and Solidarity. Statistical Society is Accepted companies in Tehran Stock Exchange by 144 companies from 2016-2021. The findings showed that Gender in Audit Committee have not significant relationship with Earnings managemen but Expertise Committee Members have significant relationship with Earnings managemen. Concolusion show that women with Expertise have significant relationship on Earnings managemen. The Results of the Research Indicate that Gender and Expertise Committee Members in Audit Committee Influence to Earnings management.

Key words: Audit Finance Committee, Auditing expertise, Gender of Committee Members, Earnings management

 10.22034/JPAR.2022.548963.1076

1. Assistant Professor of Accounting, pardis Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
feizabadi_ff@yahoo.com
<http://article.iacpa.ir>

نقش تعدیل‌کننده زنان کمیته حسابرسی در بررسی تأثیر تخصص اعضای کمیته بر مدیریت سود

فرشته فیض آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر جنسیت و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ایران انجام گرفته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و با گردآوری شواهد از استناد سازمانی به صورت همبستگی و پس‌رویدادی بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است که تعداد ۱۴۴ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. محدوده زمانی پژوهش از سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ است. برای تصمیم‌گیری در مورد فرضیه‌های پژوهش دو مدل رگرسیون ترکیبی بررسی و سه فرضیه آزمون شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که جنسیت اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معناداری ندارد. تخصص مالی کمیته حسابرسی و همچنین تعامل جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معکوس و معناداری دارند. بنابراین به‌طور کلی جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارند. لذا تعامل دو متغیر جنسیت و تخصص مالی بر مدیریت سود تأثیرگذار است. در واقع افزایش زنان کمیته حسابرسی و تخصص مالی آن‌ها توأماً منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابرسی، مدیریت سود، جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و تخصص مالی در کمیته

حسابرسی

۱- مقدمه

بازارهای پول، سرمایه، کالا و کار، چهار رکن اساسی اقتصاد کلان محسوب می‌شوند. بازارهای پول و سرمایه بخش مالی، و بازارهای کالا و کار بخش واقعی اقتصاد را تشکیل می‌دهند. بازارهای پول و سرمایه واسطه وجوه بین پس‌اندازکنندگان و وام‌گیرندگان یا سرمایه‌گذاران است. بنابراین در بخش مالی اقتصاد هزینه تأمین وجوه سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. بازار سرمایه، نقش هدایت و تخصیص منابع اقتصادی را برعهده دارد. در این بازار منابع مالی میان مدت و بلند مدت بین عوامل اقتصادی مبادله می‌شود. ازجمله مهم‌ترین نهادهای فعال در بازار سرمایه بورس اوراق بهادار است که کارکردهای آن موجب اهمیت در اقتصاد کشورها است (انتظاریان، ۱۳۹۲). ایجاد یک بازار سرمایه قوی و کارآمد تشکیل‌دهنده زیرساخت اساسی تأمین مالی بلندمدت هر کشور است که رسمی بودن، شفافیت و برخورداری از پشتوانه محکم قانونی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. رونق بازار بورس، بازتاب اقتصاد در حال پیشرفت است که در بلندمدت ارتباط مثبت و دو طرفه‌ای میان رشد اقتصادی و شاخص‌های توسعه بازار بورس به وجود می‌آورد. یکی از مهم‌ترین اهداف هر فرد در سرمایه‌گذاری، کسب درآمد و سود است. سرمایه‌گذاری در بورس اگر به‌صورت صحیح و آگاهانه باشد، می‌تواند از طریق دریافت سود نقدی و افزایش قیمت سهام کسب درآمد کند. ازجمله مزایای سرمایه‌گذاری در بورس، امنیت در سرمایه‌گذاری است. علت اهمیت بالای بورس در اقتصاد کشورها، تصویب و اجرای قوانین و مقررات متعدد در زمینه بورس و حمایت از سرمایه‌گذاران این بازار در همه جای دنیا است. پیش‌بینی سود حسابداری و تغییرات آن یک رویداد اقتصادی است که از دیرباز علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، تحلیل‌گران مالی، پژوهشگران و اعتباردهندگان را به خود جلب کرده است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). در دهه‌های اخیر قدرت بازارهای سرمایه از یک‌سو، و افزایش اطلاعات مدیران از روش‌ها و دستورالعمل‌های حسابداری از سوی دیگر باعث ایجاد پدیده‌ای نوظهور به نام مدیریت سود شده است (لاری دشت بیاض و اواردی، ۱۳۹۶). مطالعه مدیریت سود و در شرکت‌های ایرانی از چند بعد حائز اهمیت است، در ابتدا از آن‌جا که ایران جز بازارهای نوظهور است، صورت‌های مالی و اطلاعات استخراج شده از آن‌ها در این شرکت‌ها از شفافیت لازم برخوردار نیست، بازار سرمایه ناکارآمد است، هزینه معاملات در این بازار بسیار بالاست و گزارش‌های مالی، مخصوصاً اطلاعاتی مثل سود مهم‌ترین اطلاعات مورد استفاده برای تصمیم‌گیری‌های افراد ذی‌نفع مختلف در کشور است (مهام و همکاران، ۱۳۹۴).

کیفیت حسابرسی، یکی از موضوعات بااهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه است. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف مستقل در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آن‌ها به‌عنوان افرادی مستقل به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیئت‌مدیره، کمک شایان توجهی می‌کند. کمیته حسابرسی متشکل از هیئت‌مدیران است که برخی از مسئولیت‌های هیئت را به عهده می‌گیرند. مسئولیت‌های کمیته حسابرسی عبارتند از: نظارت بر گزارشگری مالی و تضمین صحت گزارشگری مالی، نظارت بر کنترل‌های داخلی و فرایند حسابرسی، نظارت بر فعالیت‌های حسابر و انتخاب حسابر مستقل است (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۵).

یکی از ابعاد کیفیت حسابرسی که بین حسابرسان باکیفیت بالا و هم‌تایان خود باکیفیت پایین تفاوت ایجاد می‌کند میزان تخصص شرکت حسابرسی در صنعت مورد نظر است (حبیب و بویان، ۲۰۱۱). شرکت‌ها در حضور متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی، راهنمای سود مدیریت دقیق‌تری منتشر می‌کنند. یافته لین و هوانگ ارتباط منفی بین تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی و مدیریت سود رو به بالا را نشان داده است که نشان می‌دهد نظارت یک متخصص حسابداری، به کاهش مدیریت سود منجر می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷).

براساس تئوری‌های جنسیتی، وجود زنان در برخی مشاغل موجب ایجاد، رشد و تحولات اقتصادی فراوانی شده است. علاوه بر این در مقایسه با هیئت‌هایی که تمام مدیران آن مرد هستند زن‌ها می‌توانند دیدگاه‌های مختلفی را در هیئت‌مدیره مطرح کنند و تصمیمات آگاهانه‌تری را بگیرند و منجر به افزایش شفافیت در سطح هیئت‌مدیره شوند. با تکیه بر این منطق، گرینبرگ و مولیک^۱ (۲۰۱۷) اصطلاح «انتخاب فعالانه» را ترجیح می‌دهند تا استدلال کنند که تناسب بین فردی احتمالاً برای رهبران زن برجسته‌تر از رهبران مرد است. زنان سبک‌های تصمیم‌گیری متفاوت و دیدگاه‌های مختلفی را دارند و اطلاعات مختلف و بیشتری را در مقایسه با مردها نیاز دارند و می‌توانند ژرفای بحث‌های هیئت‌مدیره را با به چالش کشیدن فعالیت‌ها و سیاست‌های سنتی ارتقا دهند (سریندی و همکاران، ۲۰۱۱). شکی نیست که میزان و مشارکت زنان در حال افزایش است. در عین حال، رسانه‌های عمومی به رهبران زن نیز توجه بیشتری می‌کنند. آیا مشارکت مدیران زن در هیئت‌مدیره روی کیفیت سود تأثیر دارد؟ آیا افزایش سهم مدیران زن بر مدیریت سود شرکت تأثیر می‌گذارد و از این طریق روی محتوای اطلاعات قیمت سهام شرکت تأثیرگذار است (گاوا^۲، ۲۰۱۸).

با استناد به شواهد مختلف در ادبیات و پیشینه نظری، به نظر می‌رسد که جنسیت و تخصص در کمیته‌های حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر داشته باشد. با توجه به موارد مطرح شده سؤال پژوهش این است که حضور زنان در کمیته حسابرسی چه نقشی در رابطه بین تخصص مالی در کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت ایفا می‌کند.

۲- مبانی نظری و توسعه‌ی فرضیه‌ها

با توجه به این‌که پژوهش‌های پیشین به بررسی کمیته‌های حسابرسی از ابعاد مختلفی به بررسی موضوع پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با بررسی تأثیر عوامل جنسیت و تخصص مالی در کمیته حسابرسی و تعامل آن‌ها بر مدیریت سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است که بررسی توأماً هر دو متغیر بر مدیریت سود انجام نشده است. در این بخش به ادبیات و پیشینه پژوهش پرداخته شده است.

۲-۱- ادبیات پژوهش

با توجه به اهداف و متغیرهای پژوهش، مباحث مرتبط با ادبیات پژوهش در حول سه مفهوم

اصلی مدیریت سود، تخصص مالی در کمیته حسابرسی و جنسیت در کمیته حسابرسی است. مدیریت سود: هر یک از شرکت‌ها اهداف مشخصی را در فعالیت‌های تجاری خود تعیین می‌کنند، که آن‌ها سعی می‌کنند در طول فعالیت خود به آن‌ها دست یابند. یکی از این اهداف سودآوری است. سود مهم‌ترین مورد در صورت‌های مالی است. صورت‌های مالی هسته اصلی اطلاعات را نشان می‌دهد که نه تنها توسط نهادهای داخلی بلکه خارجی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش آن‌ها ارائه دیدگاه واقعی و منصفانه از وضعیت مالی و عملکرد یک تجارت خاص است. بسترهای سودآور، مزایای اقتصادی بسیاری به همراه دارند (پاسکو^۳). اما در عمل ممکن است فرصت‌هایی برای تأثیرگذاری بر اطلاعات حسابداری با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف وجود داشته باشد و در نتیجه صورت‌های مالی عملکرد خود را از دست داده و داده‌های حسابداری را نادرست نشان می‌دهد و سود را دستکاری می‌کند. با تصمیم‌گیری‌های مالی، مدیران از گزینه‌های احتمالی که سود مورد انتظار برای مشاغل را به حداکثر برساند، انتخاب می‌کنند (والاسکو و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

پدیده مدیریت سود همچنین با دستکاری سود نیز سروکار دارد. مدیریت سود موضوعی فزاینده است و بنابراین درک هرچه بیشتر مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی صورت‌های مالی ضروری است تا اهمیت مدیریت سود را درک کنند. کارشناسان این حوزه نظرات متفاوتی در مورد مدیریت سود دارند. برخی از آن‌ها این پدیده را یک روش قانونی برای مدیریت می‌دانند، درحالی که برخی دیگر آن را دستکاری غیرقانونی سود می‌دانند. به همین دلیل، بسیاری از مطالعات علمی یا روش‌ها و تکنیک‌های حرفه‌ای توسعه یافته‌اند که مبتنی بر اندازه‌گیری و تشخیص مدیریت سود است. تعداد زیادی مدل برای سنجش و تشخیص مدیریت سود وجود دارد که ماهیت آن تعهدی اختیاری است. مدل‌های مختلف از نظر ماهیت تفاوت‌های زیادی با یکدیگر ندارند، زیرا بین تعهدی کل و تعهدی اختیاری تفاوت قائل نمی‌شوند و بعضی از مدل‌ها نیز به نوبه خود بین تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تفاوت قائل می‌شوند. ظس هر مدل با توجه به توسعه بازار سرمایه، شرایط اقتصادی و مالی و ریسک‌های احتمالی مالی در شرایط خاص کشور شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که مدل‌ها در هر اقتصادی قابل استفاده نیستند (والاسکو و همکاران^۵، ۲۰۱۹).

مدیریت سود یک پدیده پیچیده و چندوجهی است که بدون در نظر گرفتن حوزه تجارت یا اندازه آن‌ها در مشاغل رخ می‌دهد. ادبیات حاوی تعاریفی از مدیریت سود است که شامل مدیریت سود سفید، سیاه و خاکستری است. این می‌تواند مطلوب، نامطلوب و خنثی باشد. مدیریت سود مطلوب منعکس‌کننده ارزش بلند مدت، مدیریت سود نامطلوب به دنبال پنهان کردن ارزش کوتاه مدت یا بلند مدت است و مدیریت سود بی‌طرف منعکس‌کننده عملکرد واقعی کوتاه مدت است. مدیریت سود به عنوان جمع تصمیمات مدیریتی است که منجر به گزارش واقعی سود کوتاه مدت نمی‌شود (استراکوا^۶، ۲۰۲).

دو شکل از مدیریت سود وجود دارد. اولین روشی که مدیران برای دستکاری درآمدهای خود استفاده می‌کنند از طریق مدیریت درآمد واقعی است، یعنی از طریق مدیریت سود اقتصادی که

مدیران هنگام تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های عملیاتی یک بنگاه اقتصادی اعمال می‌کنند (جاکوب و همکاران^۷، ۲۰۱۵). مدیرانی آگاه هستند که با استفاده از تاکتیک‌های مدیریت سود اقتصادی، برای رسیدن به نسبت‌های کوتاه مدت موردنیاز، مجبورند برخی از ضررهای جریان نقدی آینده را بپذیرند (فوگاراسی و همکاران^۸، ۲۰۱۸). تشخیص سودآوری اقتصادی دشوارتر است زیرا این امر مستلزم سرمایه‌گذاری و استراتژی‌های تصمیم‌گیری عملیاتی است که در نهایت بر جریان نقدی شرکت تأثیر می‌گذارد. شکل دوم مدیریت سود، مدیریت درآمد مبتنی بر تعهدی و در ترجمه به معنای مدیریت سود حسابداری است. مدیریت سود حسابداری بر اساس تعهدی است که به‌منظور دستیابی به عملکرد واقعی مشاغل با ضبط درآمد و هزینه در دوره‌ای که تحقق یافته است طراحی شده است (کوتاری و همکاران^۹، ۲۰۱۶).

تخصص مالی در کمیته حسابرسی: بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌ها و بحث‌های اخیر در حوزه کمیته‌های حسابرسی، بر لزوم تخصص اعضای کمیته در گزارشگری مالی و حسابرسی تأکید می‌کنند. حامیان نظریه نمایندگی معتقدند که حضور اعضای دارای تخصص مالی، توانایی کمیته حسابرسی برای اطمینان از انجام صحیح فعالیت حسابرس، درک اظهارنظرهای حسابرسی و شناخت و رفع اختلافات حسابرس و شرکت را افزایش می‌دهد و نهایتاً از این طریق تأخیر گزارش حسابرسی را کاهش می‌دهد (لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به امکان وجود مدیریت سود و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی وجود واحد نظارتی در شرکت‌ها که سبب افزایش اطمینان بخشی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی است، ضرورت می‌یابد. کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از کمیته‌های عملیاتی و زیرمجموعه کمیته هیئت‌مدیره، مسئولیت بازبینی و نظارت بر گزارش‌های مالی و افشا را دارد. لذا به نظر می‌رسد اگر اعضای کمیته حسابرسی دارای تجربه و تخصص مالی و حسابداری باشند، میزان اثربخشی کمیته افزایش می‌یابد (تاری وردی و قادری، ۱۳۹۶). پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیانگر این موضوع است که وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی مرتبط است و توجه به مطالب بیان شده در منشور اعضای کمیته حسابرسی برای انجام مؤثر وظایف ذکر شده تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵).

نظریه‌های جنسیت در تئوری مالی: تفاوت‌های جنسیتی در مشاغل نشان‌دهنده انتخاب متفاوت زن و مرد قبل و بعد از ورود به بازار کار و رفتار متفاوت زنان و مردان در بازار کار است. سیاست به‌طور سنتی بر کاهش تبعیض در بازار کار متمرکز بوده است، اما سیاست‌هایی که تفاوت‌های جنسیتی در تفکیک شغلی، ساعات کار و ویژگی‌های روانشناختی را نیز بر عهده دارند، بسیار مهم هستند. تعداد معدودی از زنان در نردبان شرکت‌ها به بالاترین سکوها می‌رسند. در حال حاضر در اروپا فقط حدود ۱۰٪ اعضای هیئت‌مدیره زن هستند (کوهان^{۱۰}، ۲۰۱۷). بر اساس تئوری جنسیت، زنان سهم درخور توجهی در موفقیت‌های اقتصادی دارند که شامل کارهای باارزشی است و به رفاه و آسایش انسان‌ها کمک می‌کند (رضائی پیتونه‌نوئی و محسنی، ۱۳۹۷). تنوع جنسیتی در بین اعضای کمیته حسابرسی، یکی از ویژگی‌های اصلی کمیته حسابرسی در بهبود

سیستم‌های نظام راهبری است. تغییر و تحول سیستم‌های نظام راهبری در برخی از کشورها مانند آمریکا و استرالیا موجب شده است، دولت‌ها و سازمان‌های حرفه‌ای، مبادرت به تصویب قانون یا دستورالعمل‌هایی برای بهبود تنوع جنسیتی در کمیته‌های حسابرسی و دیگر کمیته‌های هیئت‌مدیره نمایند (برناردی و همکاران، ۲۰۰۲).

حضور زنان در کمیته حسابرسی بر اساس تئوری‌های مختلف قابل تبیین و بحث است. تئوری جامعه‌پذیری جنسیت بیان می‌دارد که زنان و مردان در معرض توسعه‌های اخلاقی متفاوت ارزش‌های متفاوتی بروز می‌دهند. چنین ارزش‌هایی به نگرش‌ها و رفتارهای متفاوت در آن‌ها می‌انجامد. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور زنان نظارت هیئت‌مدیره را بهبود می‌بخشد؛ در نتیجه، نمایندگی زنان در هیئت‌مدیره به افزایش ارزش شرکت منجر می‌شود. نظریه پردازان نمایندگی استدلال می‌کنند که هیئت‌مدیره به انواع مهارت‌ها، اطلاعات و نظارت اجرای مؤثر نیاز دارد و در این زمینه زنان در نظارت هیئت‌مدیره اثری مثبت دارند. بر اساس تئوری نهادی، هیئت‌مدیره‌های با تنوع جنسیتی، مشورت‌های آگاهانه بیشتری را انجام می‌دهند و اغلب موضوعاتی را که در هیئت‌مدیره‌های متشکل از مردان بااهمیت شمرده می‌شود، در هیئت‌مدیره‌های با تنوع جنسیتی مورد توجه قرار می‌گیرد. تئوری وابستگی منابع پیشنهاد می‌دهد که هیئت‌های با تنوع جنسیتی نه تنها به دلایل اخلاقی، بلکه به دلیل حفظ رابطه خوب با محیط خارجی به منظور کسب منابع بسیار مفیدند. طبق این تئوری، شرکت با اعضای هیئت‌مدیره متنوع‌تر دسترسی بیشتری به منابع دارد که به کاهش وابستگی خارجی، کاهش عدم اطمینان و بهبود اعتبار کمک می‌کند و به افزایش عملکرد شرکت منجر می‌شود (خراشادی و همکاران، ۱۳۹۸).

در سال‌های اخیر حضور زنان در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و کمیته‌های تحت نظارت آن‌ها، مانند کمیته حسابرسی روند فزاینده‌ای داشته است. بر این اساس تنوع جنسیتی و تفاوت‌های رفتاری بین زنان و مردان نیز در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی مورد توجه قرار گرفته است. به گفته کارتر و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۳) تنوع جنسیتی منابع بااهمیت را برای کمیته‌هایی مانند اطلاعات، سرمایه انسانی، مهارت‌ها و حوزه‌های انتخابی که درک بازار، خلاقیت و نوآوری را تقویت می‌نمایند، افزایش می‌دهد و در نتیجه منجر به بهبود عملکرد کمیته‌های نظارتی و گزارشگری می‌گردد. همچنین معتقدند کمیته‌هایی با تنوع جنسیتی در مورد مسایل شرکت بحث‌های بیشتری انجام می‌دهند و مدیران زن در کمیته‌هایی که دارای تنوع جنسیتی هستند، معمولاً سؤالات بیشتری از مدیران مرد می‌پرسند و اثربخشی ارتباطات بین مدیران را بهبود بخشیده‌اند. بر اساس تحقیقات پیشین، زنان در مقایسه با مردان تمایل کمتری به رقابت دارند و مسئولیت‌پذیرترند (نیدر و وسترلاند^{۱۲}، ۲۰۰۷). مشارکت مدیران زن عملکرد اقتصادی شرکت را تا حد زیادی بهبود می‌بخشد و اعضای هیئت‌مدیره زن استقلال فکری و ذهنی بیشتری دارند که می‌تواند موجب بهبود فرایند نظارتی شود. آن‌ها نشان دادند که سرمایه‌گذاران مایلند اعضای زن به هیئت‌مدیره شرکت‌ها اضافه شوند (آدام و فریرا^{۱۳}، ۲۰۰۹). در زمینه‌های شغلی، زنان در محیط کار اخلاقی‌تر هستند و کمتر برای به دست آوردن پاداش‌های مالی درگیر رفتار غیراخلاقی

می‌شوند. زنان نه تنها از خطر بیشتر و رفتار اخلاقی دوری می‌کنند، بلکه در به دست آوردن اطلاعات داوطلبانه نیز بهتر هستند که ممکن است عدم تقارن اطلاعات بین مدیران زن و مدیران را کاهش دهد. زنان در انواع متناسب با تصمیم‌گیری محتاط‌تر و پرخاشگرتر از مردان هستند و به‌ویژه در محیط تصمیم‌گیری مالی احتمال خطر کمتری دارند. بنابراین، احتمال برخورداری محدودتر از مدیریت سود دارد. کیفیت مدیریت سود برای بنگاه‌هایی که بیشتر خانم‌های مدیر دارند، بالاتر است و استدلال که زنان احتمالاً در قضاوت و رفتار خود از مردان اخلاقی‌تر هستند. از آن‌جا که مردان تمایل دارند بیش از حد از تعصب اطلاعات در هیئت‌مدیره برخوردار باشند (هانگ و کین^{۱۴}، ۲۰۱۳). هنگامی که زنان به گروه تصمیم‌گیری می‌پیوندند، شخصیت زن مکمل مردان است. علاوه بر این زنان هنگام تصمیم‌گیری ایده‌های جدیدی خواهند داشت، به‌گونه‌ای که سیستم تصمیم‌گیری مدیریت شرکت بی‌نقص‌تر و عملکرد شرکت بالاتر می‌رود، تا کیفیت سود شرکت را ارتقا بخشد (کوگات و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۴). هوانگ و شنگ معتقدند که ویژگی‌های پس‌زمینه مدیران دارای محتوای اطلاعات قابل توجهی است. وجود اختلافات جنسیتی در هیئت‌مدیره در واقع می‌تواند باعث افزایش محتوای اطلاعات قیمت سهام شود (هانگ و شنگ^{۱۶}، ۲۰۱۳). در نتیجه، هرچه نسبت مدیران مستقل زن بزرگ‌تر باشد، اطلاعات مشخص‌تری در مورد قیمت سهام موجود است. در این میان، کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر اطلاع‌رسانی در مورد قیمت سهام تأثیر می‌گذارد، به این معنی که قیمت سهام شرکت‌های با کیفیت سود بالاتر حاوی اطلاعات خاص شرکت در عین داشتن فاکتورهای دیگر کنترل شده است. مطالعات بیشتر نشان می‌دهد که رابطه بین تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره و سهام وجود دارد است (گاوا^{۱۷}، ۲۰۱۸).

کمیته حسابرسی در فرآیند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود، که بر این اساس کلین^{۱۸} در تحقیق خود نشان داد که استقلال بیشتر کمیته حسابرسی، در واقع نسبت مدیران مستقل در کمیته حسابرسی منجر به مدیریت سود تعهدی کم‌تر می‌شود. (کلین، ۲۰۰۲).

منظور از تخصص مالی در کمیته حسابرسی، نسبت حضور اعضای دارای دانش و تخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی می‌باشد. بر اساس الزامات نهادهای قانون‌گذار مانند کمیسیون بورس و اوراق بهادار معمولاً کمیته‌های حسابرسی باید حداقل یک عضو باصلاحیت و تخصص حسابداری یا مالی داشته باشند تا بتوانند نقش خود را به‌طور مؤثر اجرا کنند. در ابتدا کمیسیون بورس و اوراق بهادار تنها دانش حسابداری را برای اعضای کمیته‌های حسابرسی الزامی می‌دانست، اما قانون ساربینز-اکسلی مهارت‌های مالی و سرپرستی را نیز در تعریف خود اعمال نمود. شرکت‌های دولتی باید به افشای اطلاعات راجع به مهارت و تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی بپردازند و شرکتی که نتواند چنین کاری انجام دهد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از وجود مطالعات انجام شده در خارج از کشور و در داخل

کشور است. ایناف و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود به بررسی رابطه، تنوع جنسیتی و مدیریت سود پرداختند. این مطالعه به‌طور خاص به بررسی تأثیر مدیران خارجی، جنسیت زن، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه شرکت در مدیریت سود پرداخته است. بنابراین این مطالعه از نوع مقیاس سنجش کمی و مقطعی از مؤسسات غیرمالی فهرست شده در بورس اوراق بهادار بوده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، همبستگی و رگرسیون چند متغیره کوچک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این مطالعه نشان داد که اعضاء هیئت‌مدیره خارجی، جنسیت زن در هیئت‌مدیره و استقلال هیئت‌مدیره با مدیریت سود ارتباط منفی دارند (آلقتمین^{۱۹}، ۲۰۲۲). منصور^{۲۰} و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر تخصص و جنسیت در کمیته حسابرسی را بر مدیریت سود بررسی کرده و نتایج نشان داده است که تخصص در کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. علاوه بر این یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد تخصص مالی زنان نسبت به مردان در کاهش مدیریت سود اثربخشی بیشتری دارد. سانگ^{۲۱} و همکاران (۲۰۱۸) رابطه تخصص در کمیته حسابرسی را با کیفیت سود طبق روش فرا تحلیل بررسی کردند و یافته‌های آن‌ها حاکی است که تخصص در کمیته حسابرسی با کیفیت سود رابطه مثبتی دارد و البته تخصص حسابداری رابطه قوی‌تری را نشان می‌دهد. پژوهش سانچز و مکاک^{۲۲} (۲۰۱۷) حاکی است که حضور اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی در کاهش خطر ورشکستگی بانک‌ها مؤثر است. همچنین، زمانی که مقررات و کنترل داخلی بخش بانکی ضعیف باشد این حضور در کمیته حسابرسی مهم‌تر می‌شود. گینگلسی و آمون (۲۰۱۶) به بررسی اثرات کیفیت هیئت‌مدیره در رابطه بین ورشکستگی شرکت‌ها و اثربخشی کمیته‌ها پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است که اثربخشی کمیته حسابرسی ورشکستگی شرکت‌های بزرگ را کاهش داده است. این نتایج از این تصور که شرکت از کیفیت هیئت‌مدیره از نظر توانایی مدیران برای نظارت بر مدیرعامل شرکت به نمایندگی سهامداران و همچنین مشاوره، و مشروعیت به شرکت فراهم می‌کند را حمایت می‌کند. نتایج بررسی ایمره و الیجه^{۲۳} (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که تخصص مالی رابطه معکوس و معناداری با مدیریت سود دارد. پژوهش سلطانا، سینگ، زان و میچل (۲۰۱۵) در بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی دریافتند که بین تخصص مالی در کمیته حسابرسی، با تأخیر گزارش حسابرسی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و ارتباط بین تأخیر گزارش حسابرسی با تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی معنادار نیست. پژوهش پاتریک^{۲۴} و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی رابطه بین تخصص مالی در کمیته حسابرسی و مدیریت سود حاکی است که بالا بودن تخصص مالی در کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود.

پوریا کاظمی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر جنسیت بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جنسیت شریک موسسه حسابرسی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام شرکت تأثیر منفی دارد. بر اساس یافته‌ها، سهامداران و سایر رای دهنندگان در مجموع عمومی سالیانه شرکت‌ها به‌منظور کاهش ریسک سقوط قیمت سهام در آینده، مؤسسات

حسابرسی که دارای شریک زن هستند را انتخاب کنند. حاجی‌ها و آزادزاده (۱۳۹۸) ویژگی‌های کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر اندازه موسسه حسابرسی و حاکمیت شرکتی را بررسی کرده و دریافته‌اند که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و اندازه هیئت‌مدیره بر رابطه بین تخصص در کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثر مثبت می‌گذارد. در پژوهش عبدی و همکاران (۱۳۹۸) برای بررسی اثربخشی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی، نتایج حاکی است که بین تخصص و تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. پژوهش دارابی و اژدری (۱۳۹۷) در بررسی رابطه نظام راهبری و ویژگی‌های حسابرسی با مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان داده است که بین حضور زنان در بین اعضای هیئت‌مدیره و مدیریت واقعی سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. تاری وردی و قادری (۱۳۹۶) تأثیر نقش تخصص مالی در کمیته حسابرسی را بر نگرش کوتاه مدت مدیران بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی تأثیر معناداری ندارد اما بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش و کاهش مخارج اختیاری تأثیر منفی دارد. قدردان و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کاهش هزینه نمایندگی ناشی از مدیریت سود تعهدی به این نتیجه رسیدند که بین اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معنادار، و بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه معکوس و معناداری برقرار است. جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده را بررسی و شواهد نشان می‌دهد، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش‌بینی سود رابطه مثبت دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار می‌گیرد و پیش‌بینی سود با دقت بیشتری برآورد می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش‌بینی‌های سود ارتباطی منفی دارد. پژوهش فخاری و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد.

۲-۳- توسعه فرضیه‌های پژوهش

ارائه اطلاعات درباره عملکرد گذشته یک واحد انتفاعی یکی از هدف‌های گزارش‌های مالی است. سودآوری، معیاری از مدیریت مناسب و شایسته است. مدیریت شرکت، تمایلی به ارائه اطلاعات مربوط به کاهش فروش و سود، به‌ویژه زمانی که یک یا چند بخش زیانده است، ندارد. در مقابل، مدیرکل سود را افشاء می‌کند تا روندهای نزولی بخش‌های فرعی در رقم کل، مخفی شود (انصاری، ۱۳۹۴). ابزارهای گوناگونی برای مدیریت سود توسط مدیران وجود دارد که می‌تواند

به صورت مدیریت سود کارا یا فرصت طلبانه استفاده شود. از جمله این ابزارها اقلام تعهدی است. اقلام تعهدی نشانه‌هایی را به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ارسال می‌کنند که در سیستم نقدی نادیده گرفته شده است (عرب صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). از وظایف کمیته‌های حسابرسی نظارت بر گزارشگری مالی، مدیریت ریسک، کنترل‌های داخلی، رعایت ضوابط اخلاقیات، مدیریت، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی است (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶). مطالعات قبلی نشان دادند که مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار با اثربخشی کمیته حسابرسی است و مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی است (معینیان و همکاران، ۱۳۹۸). کمیته حسابرسی باید به نحوی مناسب برای انجام وظایف خود ایفای نقش کند. یک منشور شفاف و مکتوب به کمیته و دیگران در درک مسئولیت‌های آن‌ها کمک می‌کند. تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، یکی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی دارد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). پژوهش بیلال^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۸) در این زمینه بیانگر این موضوع است که وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی با کیفیت سود و بهبود فرآیند گزارشگری مالی مرتبط است. بنابراین در این پژوهش انتظار این است که بین تخصص مالی در کمیته حسابرسی با مدیریت سود ارتباط داشته باشد. بنابراین فرضیه زیر طرح شده است:

تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت معنادار است.

بسیاری از محققان به دنبال امور مالی و حسابداری، رابطه مستقیمی را بین تعداد یا نسبت مدیران زن و عملکرد مالی شرکت آزمایش کرده‌اند. نظریه‌های اثربخشی گروهی فرض می‌کنند که ماهیت وظایف انجام شده یک تعدیل‌کننده مهم بین ترکیب تیم و اثربخشی است. این استدلال حاکی از آن است که یک هیئت‌مدیره با ترکیب خاص ممکن است در انجام یک کار بهتر از دیگری باشد زیرا دو مجموعه مشخص از وظایف هیئت‌مدیره برای عملکرد مؤثر خود به مهارت‌های مختلفی نیاز دارند. به همین ترتیب، تحقیقات در مورد تفاوت‌های جنسیتی نشان می‌دهد که زنان ممکن است متفاوت از مردان رفتار کنند و در انجام وظایف خاص نسبت به دیگران مؤثر باشند (نیلسن و هاس^{۲۶}، ۲۰۱۰). حضور مدیران زن در کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه منفی دارد. با وجود به نظرات متفاوت، در این پژوهش نقش مستقیم و تعدیل‌گر حضور زنان بر مدیریت سود و رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه فرضیه‌های زیر طرح شده است:

۱- تأثیر جنسیت در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت معنادار است.

۲- تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت معنادار است

۳- جنسیت تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی را بر مدیریت سود در شرکت تعدیل می‌کند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف، کاربردی و با طرح پژوهش همبستگی بر اساس شواهد پس رویدادی اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است. برای بررسی موضوع تعدادی از شرکت‌ها و دوره‌های زمانی به صورت غیرتصادفی و شرکت‌هایی انتخاب شده است که اطلاعات مالی و بنیادین آن‌ها طی دوره مورد بررسی در دسترس است. دوره زمانی تحقیق نیز با توجه به در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده و تعداد ۱۴۴ شرکت انتخاب شده است. به‌منظور انتخاب نمونه تحقیق از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک استفاده شده است. در این روش ابتدا شرایط لازم جهت انتخاب نمونه تعریف شده و سپس نمونه‌های فاقد شرایط مذکور حذف شده است. در گردآوری شواهد از بانک‌های اطلاعاتی و اسناد سازمانی استفاده شده است که داده‌ها به صورت ترکیب و متشکل از داده‌های سری زمانی و مقطعی است که با تحلیل رگرسیون چند متغیری و به صورت پانل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مدل این پژوهش متشکل از یک متغیر وابسته، یک متغیر مستقل، یک متغیر تعدیل‌گر و سه متغیر کنترلی است که روش سنجش و تعاریف سنجی آن‌ها به صورت زیر است:

EMi_t : مدیریت سود^{۳۷} در نقش متغیر وابسته؛ (پسماند مدل اقلام تعهدی تعدیل شده جونز و کوتاری)

$AUDGENi_t$: جنسیت کمیته حسابرسی^{۳۸} در نقش متغیر مستقل است و شامل: نسبت اعضای که جنسیت زن دارند به کل اعضای کمیته حسابرسی است.

$AUDACi_t$: تخصص مالی در کمیته حسابرسی^{۳۹} در نقش متغیر مستقل است و شامل: نسبت اعضای که تخصص مالی دارند به کل اعضای کمیته حسابرسی است.

$AUDGEN*ACC$, i_t : تعامل جنسیت و تخصص مالی در کمیته حسابرسی^{۳۰} در نقش متغیر تعدیل‌گر است و شامل: حاصل ضرب بین نسبت جنسیت و تخصص مالی در کمیته حسابرسی است.

$SIZEi_t$: اندازه در نقش متغیر کنترلی؛ لگاریتم طبیعی درآمدها (فروش).

$CAPSTi_t$: ساختار سرمایه^{۳۱} در نقش متغیر کنترلی؛ نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها.

$MTBi_t$: رشد^{۳۲} در نقش متغیر کنترلی؛ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

بنابراین رابطه بین متغیرها در قالب مدل رگرسیونی زیر مورد بررسی قرار گرفت:

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDGEN_{i,t} + \beta_2 AUDACC_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 CAPST_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDGENi*ACC_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 CAPST_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جهت کاربرد این روش تجزیه و تحلیل، مفروضه‌های: عدم خودهمبستگی، آزمون ریشه واحد، آزمون ناهمسانی واریانس و نبود رابطه خطی مورد بررسی قرار گرفته و برای انتخاب مدل مناسب از آزمون چاو و هاسمن استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل شواهد پژوهش از تحلیل‌های توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار «ایویوز»^{۳۳} استفاده شده است. شواهد پژوهش به صورت شرکت-سال است که با توجه به تعداد نمونه (۱۴۴) و دوره انتخاب شده (۱۳۹۱-۱۳۹۹) شامل ۱۰۰۸ مشاهده است.

۴-۱- نتایج تجزیه و تحلیل توصیفی

هر یک از متغیرهای پژوهش یکی از چهار نقش: متغیر وابسته، متغیر مستقل، متغیر کنترل و متغیر تعدیل‌گر را به عهده دارد.

مدیریت سود متغیر وابسته پژوهش است که از مقادیر پسماند مدل اقلام تعهدی تعدیل شده جونز و مدل کوتاری استخراج شده است. میانگین مدیریت سود با حدود ۰/۰۰۲۶ بیانگر متوسط مدیریت سود شرکت‌های نمونه‌گیری شده است که مقادیر آن نشان‌دهنده مدیریت سود در شرکت‌های نمونه آماری است. تخصص مالی در کمیته حسابرسی متغیر مستقل است که از نسبت اعضای دارای تخصص مالی به کل اعضای کمیته حسابرسی استخراج شده است. میانگین تخصص مالی کمیته حسابرسی با حدود ۰/۶۳۶۲ بیانگر متوسط تخصص مالی در کمیته حسابرسی شرکت‌های نمونه‌گیری شده است که بالاتر بودن آن نشان‌دهنده بالا بودن تخصص مالی کمیته حسابرسی شرکت‌های نمونه آماری است. جنسیت کمیته حسابرسی متغیر تعدیل‌گر است که از نسبت اعضای جنسیت زن به کل اعضای کمیته حسابرسی استخراج شده است. میانگین جنسیت کمیته حسابرسی با حدود ۰/۲۱۴۹ بیانگر متوسط جنسیت کمیته حسابرسی شرکت‌های نمونه‌گیری شده است که بالاتر بودن آن نشان‌دهنده بالا بودن نسبت حضور زنان کمیته حسابرسی در شرکت‌های نمونه آماری است. اندازه شرکت یکی از متغیرهای کنترل است که از لگاریتم طبیعی درآمدها استخراج شده است. میانگین اندازه شرکت با حدود ۱۱/۰۸۸۴ بیانگر متوسط اندازه شرکت شرکت‌های نمونه‌گیری شده است که بالاتر بودن آن نشان‌دهنده بالا بودن اندازه شرکت شرکت‌های نمونه آماری است. ساختار سرمایه یکی از متغیرهای کنترل است که از نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها استخراج شده است. میانگین ساختار سرمایه با حدود ۰/۲۹۹۵ بیانگر متوسط ساختار سرمایه شرکت‌های نمونه‌گیری شده است که بالاتر بودن آن نشان‌دهنده بالا بودن نسبت بدهی‌ها به دارایی شرکت‌های نمونه آماری است. رشد شرکت یکی از متغیرهای کنترل است که از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام استخراج شده است. میانگین شاخص رشد شرکت با حدود ۰/۳۹۶۰ بیانگر متوسط شاخص رشد شرکت شرکت‌های نمونه‌گیری شده است که بالاتر بودن آن نشان‌دهنده بالا بودن نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه آماری است.

جدول ۱: شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش در نمونه آماری

شاخص آماری	مدیریت سود	جنسیت در کمیته حسابرسی	تخصص مالی در کمیته حسابرسی	اندازه شرکت	رشد شرکت	ساختار سرمایه
	EM	AUDGEN	AUDAC	SIZE	MTB	CAPST
میانگین	۰.۰۰۲۶۲۰	۰.۲۱۴۹۲۵	۰.۶۳۶۲۸۱	۱۱.۰۸۸۴۲	۰.۳۹۶۰۱۱	۰.۲۹۹۵۳۲
میانه	۰.۰۱۰۶۱۶	۰.۲۰۰۰۰۰	۰.۶۰۰۰۰۰	۱۱.۰۳۳۰۱	۰.۱۵۶۴۱۲	۰.۲۵۱۹۰۰
بیشترین	۰.۶۷۷۹۱۱	۰.۳۶۳۳۳۳	۱.۰۰۰۰۰۰	۱۴.۹۶۰۴۸	۱.۸۷۵۴۱۴	۰.۹۸۷۱۴۳
کمترین	۰.۰۷۲۳۰۰۰-	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۶.۱۴۳۷۴۶	۰.۰۶۸۵۰۰	۰.۰۰۲۴۹۰
انحراف معیار	۰.۱۰۲۰۵۱	۰.۰۶۴۷۳۳	۰.۱۹۷۵۹۰	۰.۷۳۶۶۸۲	۰.۴۶۳۸۷۳	۰.۲۳۸۵۲۵
چولگی	۰.۳۲۶۶۸۳-	۰.۴۹۵۴۷۷-	۰.۵۱۹۶۰۹-	۰.۱۲۲۷۵۱-	۱.۶۶۰۸۲۶	۰.۷۶۴۵۳۴
کشیدگی	۹.۴۹۶۴۳۶	۳.۲۴۱۵۹۱	۳.۰۱۴۲۵۰	۱۰.۳۵۰۷۲	۴.۵۵۱۶۴۱	۲.۷۱۳۳۷۲
آماره جار-کو- برا	۱۷۹۰.۴۸۴	۴۳.۶۹۴۹۰	۴۵.۳۶۷۵۲	۲۲۷۱.۹۲۳	۵۶۴.۵۲۰۶	۱۰.۱۶۴۸۷
احتمال آماره	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰
تعداد مشاهده‌ها	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸

۴-۲- نتایج تجزیه و تحلیل استنباطی پژوهش

در این تحقیق مدل پژوهش از یک متغیر مستقل، یک متغیر تعدیل‌گر، یک متغیر وابسته و سه متغیر کنترل تشکیل شده است که همه متغیرهای پژوهش دارای مقیاس نسبی است. با توجه به اهداف تحقیق و روش اندازه‌گیری، مناسب‌ترین روش برای تحلیل تحقیق، استفاده از رگرسیون تابلویی است.

مطابق با نتایج ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین مدیریت سود با متغیرهای توضیحی: جنسیت کمیته حسابرسی، تخصص مالی در کمیته حسابرسی و ساختار سرمایه به صورت منفی و معنادار و با متغیر اندازه و رشد مثبت و معنادار است (احتمال آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵). رابطه بین جنسیت در کمیته حسابرسی با تخصص مالی کمیته حسابرسی و ساختار سرمایه مثبت و معنادار و با اندازه شرکت به صورت منفی و معنادار است. رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی با اندازه به صورت منفی و معنادار و با ساختار سرمایه مثبت و معنادار است. رابطه بین اندازه با رشد به صورت منفی و معنادار است. به‌منظور آزمون پایایی متغیرهای تحقیق از آزمون «لوین لین و چئو»^{۳۴} استفاده شده و با توجه به سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای همه متغیرهای از پایا بودن آن‌ها در سطح پشتیبانی شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مورد مطالعه پژوهش و نتایج ایستایی متغیرها

لوین لین و چئو		علامت اختصاری متغیرهای پژوهش						متغیرها و شاخص	
احتمال خطا	آماره	ساختار سرمایه	رشد شرکت	اندازه شرکت	تخصص مالی در کمیته حسابداری	جنسیت در کمیته حسابداری	مدیریت سود		
۰.۰۰۰	۱۴۸.۲۰۶-						۱	ضریب	مدیریت سود
							-----	احتمال	
۰.۰۰۰	۱۵.۲۶۸-					۱	۰.۲۹۵-	ضریب	جنسیت در کمیته حسابداری
							-----	۰.۰۰۰	
۰.۰۰۰	۱۷.۲۵۹-				۱	۰.۸۱۲	۰.۳۵۸-	ضریب	تخصص مالی در کمیته حسابداری
						-----	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	
۰.۰۰۰	۲۶.۷۵۰-			۱	۰.۲۰۵-	۰.۱۶۴-	۰.۳۱۳	ضریب	اندازه شرکت
					-----	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	
۰.۰۰۰	۱۶۷.۴۲۱-		۱	۰.۲۸۷-	۰.۰۳۰-	۰.۰۳۹-	۰.۰۷۳	ضریب	رشد شرکت
				-----	۰.۰۰۰	۰.۳۴۹	۰.۲۱۳	۰.۰۲۰	
۰.۰۰۰	۴۲.۳۱۵-	۱	۰.۰۴۰-	۰.۰۵۹	۰.۱۸۷	۰.۱۴۶	۰.۲۴۴-	ضریب	ساختار سرمایه
				-----	۰.۲۰۸	۰.۰۶۲	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	

با توجه به این که داده‌های پژوهش به صورت ترکیبی است، برای انتخاب مدل مناسب و کاربرد یکی از دو روش پولد^{۳۵} و پانل^{۳۶} و در صورت تأیید مدل پانل، از یکی از دو روش اثرات تصادفی^{۳۷} یا اثرات ثابت^{۳۸} از آزمون‌های لیمر^{۳۹} و هاسمن^{۴۰} استفاده شده و بر اساس نتایج آزمون لیمر در هر دو مدل پژوهش (احتمال خطا کوچک‌تر از ۰/۰۵) از کاربرد مدل پانل و با توجه به بزرگ بودن آماره آزمون هاسمن (احتمال خطا کوچک‌تر از ۰/۰۵) از کاربرد اثرات ثابت پشتیبانی شده است. نتایج بررسی‌های مرتبط با انتخاب مدل مناسب جهت بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون انتخاب مدل های مناسب برای کاربرد مدل پولد یا پانل و نوع اثرات

$_{i,t} \varepsilon + \beta_3 MTB_{i,t} + \beta_4 CAPST_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_2 AUDACC + \beta_1 AUDGEN_{i,t} + \beta_0 = EM_{i,t}$						
آزمون هاسمن			آزمون چاو			هدف و آزمون
نتیجه	سطح خطا	آماره مربع کا	نتیجه	سطح خطا	آماره F	
اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۳۷.۸۰۶۵۸۲	پانل	۰.۰۰۰۰	۵.۴۱۰۷۰۶	آزمون مقطع
$+ \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_3 AUDGEN_i * ACC + \beta_2 AUDACC + \beta_1 AUDGEN_{i,t} + \beta_0 = EM_{i,t}$ $_{i,t} \varepsilon + \beta_4 MTB_{i,t} + \beta_4 CAPST_{i,t}$						
نتیجه	سطح خطا	آماره مربع کا	نتیجه	سطح خطا	آماره F	هدف و آزمون
اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۴۰.۹۱۲۸۱۴	پانل	۰.۰۰۰۰	۵.۳۹۳۷۱۴	آزمون مقطع

نتایج مدل اول پژوهش (نتایج فرضیه اول و دوم): نتایج نهایی آزمون مدل اول رگرسیونی تحقیق نشان داده است که روابط خطی معنی داری بین حداقل یکی از متغیرهای توضیحی با متغیر وابسته وجود دارد. قضاوت در مورد معنادار بودن رابطه خطی بر اساس آماره های فیشر مدل (۱۶/۸۸۲) و احتمال آن (۰/۰۰۱) که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، انجام گرفته است. به بیان دیگر این شاخص آزمون از وجود روابط خطی بین متغیرهای مستقل با وابسته در مدل پشتیبانی کرده است. آماره دوربین- واتسون مدل (۱/۵۶۶) در محدوده دامنه بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد که حاکی از استقلال باقیمانده های مدل است و بین باقیمانده های مدل ها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. عامل تورم واریانس تمام متغیرهای موجود در مدل رگرسیون چند متغیری از نظر عددی کمتر از مقدار ۱۰ است که بیانگر عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی مدل است و ورود همزمان متغیرها موجب وقوع هم خطی نشده است (افلاطونی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). با آن که آماره آزمون توزیع باقیمانده مدل بزرگ تر از مقدار بحرانی و به بیان دیگر سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ است و از نرمال بودن توزیع متغیرها پشتیبانی نکرده است، اما به دلیل آن که حجم نمونه بزرگ است و توزیع باقیمانده مدل ها تک نمایی و فاقد چولگی است و به بیان دیگر توزیع شبیه به توزیع نرمال است، در نتیجه نرمال بودن توزیع باقیمانده های مدل قابل توجیه است (همان، ۲۴۲). جهت رفع ناهمسانی احتمالی مدل، اقدام به رفع ناهمسانی شده است. بنابراین نتایج مدل قابل اتکا است. ضرایب تعیین (۰/۷۴۴) و ضرایب تعیین تعدیل شده مدل (۰/۷۰) نشان دهنده این است که توان توضیحی دهندگی متغیرهای مستقل و کنترل و تعدیل گر در بیان تغییرات متغیر وابسته مدل است.

ضریب تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۲۸) و آماره آزمون به

مقدار (۰/۵۷۶) و احتمال آماره تی آن (۰/۵۶۴) است که بزرگ‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معنادار آن حمایت نشده است. نتایج بیانگر این است که افزایش زنان منجر به تغییرات جدی در مدیریت سود نشده است.

ضریب تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار (۰/۱۰۸-) و آماره آزمون به مقدار (۵/۹۷۲-) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۰۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معکوس و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش تخصص مالی در کمیته حسابرسی منجر به کاهش در مدیریت سود شده است. ضریب تأثیر اندازه شرکت بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۵۸) و آماره آزمون به مقدار (۸/۸۷۸) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۰۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر مستقیم و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش اندازه شرکت منجر به افزایش در مدیریت سود شده است. ضریب تأثیر رشد شرکت بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۱۳) و آماره آزمون به مقدار (۳/۶۲۰) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۰۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر مستقیم و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش رشد شرکت منجر به افزایش در مدیریت سود شده است.

ضریب تأثیر ساختار سرمایه بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۲۲-) و آماره آزمون به مقدار (۲/۵۲۴-) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۱۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معکوس و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش ساختار سرمایه منجر به کاهش در مدیریت سود شده است.

نتایج مدل دوم پژوهش (نتایج فرضیه سوم): نتایج نهایی آزمون مدل دوم رگرسیونی تحقیق نشان داده است که روابط خطی معنی‌داری بین حداقل یکی از متغیرها توضیحی با متغیر وابسته وجود دارد. قضاوت در مورد معنادار بودن رابطه خطی بر اساس آماره‌های فیشر مدل (۱۷/۱۸۹) و احتمال آن (۰/۰۰۱) که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، انجام گرفته است. به بیان دیگر این شاخص آزمون از وجود روابط خطی بین متغیرهای مستقل با وابسته در مدل پشتیبانی کرده است. آماره دوربین-واتسون مدل (۱/۵۶۷) در محدوده دامنه بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد که حاکی از استقلال باقیمانده‌های مدل است و بین باقیمانده‌های مدل‌ها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. عامل تورم واریانس تمام متغیرهای موجود در مدل رگرسیون چند متغیری از نظر عددی کمتر از مقدار ۱۰ است که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی مدل است و ورود هم‌زمان متغیرها موجب وقوع هم‌خطی نشده است. با آن‌که آماره آزمون توزیع باقیمانده مدل بزرگ‌تر از مقدار بحرانی و به بیان دیگر سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و از نرمال بودن توزیع متغیرها پشتیبانی نکرده است، اما به دلیل آن‌که حجم نمونه بزرگ است و توزیع باقیمانده مدل‌ها تک‌نمایی و فاقد چولگی است و به بیان دیگر توزیع شبیه به توزیع نرمال است، در نتیجه نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های مدل قابل توجیه است. جهت رفع ناهمسانی احتمالی مدل، اقدام به رفع ناهمسانی شده است. بنابراین نتایج مدل قابل اتکا است.

ضرایب تعیین (۰/۷۴۹) و ضرایب تعیین تعدیل شده مدل (۰/۷۰۵) نشان‌دهنده این است که توان توضیح دهنده متغیرهای مستقل و کنترل و تعدیل‌گر در بیان تغییرات متغیر وابسته مدل است.

ضریب تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۹۶) و آماره آزمون به مقدار (۱/۷۰۵) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۸۸) است که بزرگ‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معنادار آن حمایت نشده است. نتایج بیانگر این است که افزایش زنان منجر به تغییرات جدی در مدیریت سود نشده است.

ضریب تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۸۳-) و آماره آزمون به مقدار (۴/۰۳۹-) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۰۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معکوس و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به کاهش در مدیریت سود شده است. ضریب تأثیر تعامل دو متغیر جنسیت کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار (۰/۱۱۷-) و آماره آزمون به مقدار (۲/۱۰۲-) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۳۵) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معکوس و معنادار تعامل دو متغیر جنسیت کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش زنان در کمیته حسابرسی و تخصص مالی در کمیته حسابرسی منجر به کاهش در مدیریت سود شده است. ضریب تأثیر اندازه شرکت بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۵۸) و آماره آزمون به مقدار (۸/۹۱۶) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۰۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر مستقیم و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش شرکت منجر به افزایش در مدیریت سود شده است. ضریب تأثیر رشد شرکت بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۱۲) و آماره آزمون به مقدار (۳/۵۶۴) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۰۱) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر مستقیم و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش رشد شرکت منجر به افزایش در مدیریت سود شده است. ضریب تأثیر ساختار سرمایه بر مدیریت سود به مقدار (۰/۰۲۰-) و آماره آزمون به مقدار (۲/۲۶۹-) و احتمال آماره تی آن (۰/۰۲۳) است که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد بوده و از تأثیر معکوس و معنادار آن حمایت شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش ساختار سرمایه منجر به کاهش در مدیریت سود شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون و آزمون تأثیر متغیرهای توضیحی بر وابسته طبق مدل اول و دوم پژوهش

شرح مدل: رگرسیون ترکیبی با اثرات ثابت متغیر وابسته: مدیریت سود، شرح مشاهده‌ها: ۱۰۰۸ شرکت- سال شامل مقاطع ۱۴۴ شرکت و دوره‌ها ۷ سال از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷							
مدل دوم		مدل اول			متغیرهای توضیحی ضرایب		
عامل تورم واریانس	احتمال آماره	ضرایب	عامل تورم واریانس	احتمال آماره			
	۰.۰۰۰	-۰.۶۰۰		۰.۰۰۰	-۰.۵۷۹	C	ضریب ثابت
۳.۰۱۳	۰.۰۸۹	۰.۰۹۷	۱.۸۸۳	۰.۵۶۴	۰.۰۲۷	AUDGEN	جنسیت در کمیته حسابداری
۲.۵۰۸	۰.۰۰۰	-۰.۰۸۳	۱.۸۸۷	۰.۰۰۰	-۰.۱۰۸	AUDAC	تخصص مالی در کمیته حسابداری
۴.۱۶۲	۰.۰۳۶	-۰.۱۱۷	-	-	-	A_A	جنسیت* تخصص مالی کمیته حسابداری
۱.۰۳۹	۰.۰۰۰	۰.۰۵۹	۱.۰۴۰	۰.۰۰۰	۰.۰۵۸	SIZE	اندازه شرکت
۱.۰۲۹	۰.۰۰۰	۰.۰۱۳	۱.۰۲۵	۰.۰۰۰	۰.۰۱۳	MTB	رشد شرکت
۱.۰۱۶	۰.۰۲۴	-۰.۰۲۱	۱.۰۰۴	۰.۰۱۲	-۰.۰۲۳	CAPST	ساختار سرمایه
۰.۷۴۹۰۶۳		۰.۷۴۴۱۶۰					ضریب تعیین
۰.۷۰۵۴۸۵		۰.۷۰۰۰۸۱					ضریب تعیین تعدیل شده
۱۷.۱۸۹۱۷		۱۶.۸۸۲۲۵					آماره فیشر
۰.۰۰۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰۰۰					احتمال آماره فیشر
۱.۵۶۷۷۸۵		۱.۵۶۶۴۱۲					آماره دوربین- واتسون

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل دوم تحلیل رگرسیون ترکیبی (با متغیر تعدیل‌گر در مدل)، ضریب تأثیر جنسیت کمیته حسابداری بر مدیریت سود به مقدار ۰/۰۹۶ است. آماره آزمون با مقدار ۱/۷۰۵ کوچک‌تر از قدرمطلق نسبت بحرانی ۱/۹۶ است. به بیان دیگر احتمال خطای محاسبه شده آن بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرضیه صفر دال بر نبود تأثیر از جنسیت کمیته حسابداری بر مدیریت سود رد نشده است. بنابراین بر اساس تئوری احتمالات با عدم رد فرضیه‌های صفر، فرضیه مخالف آن در نقش فرضیه ادعای تحقیق تأیید نشده است. این نتایج بیانگر این است که با افزایش نسبت جنسیت زن در کمیته حسابداری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت سود افزایش یا کاهش نمی‌یابد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش رد شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از مدل اول تحلیل رگرسیون ترکیبی (بدون متغیر تعدیل‌گر در مدل)، ضریب تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابداری بر مدیریت سود به مقدار ۰/۱۰۸- است. آماره آزمون با مقدار ۵/۹۷۲- کوچک‌تر از نسبت بحرانی ۱/۹۶- است. به بیان دیگر احتمال

خطای محاسبه شده آن کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرضیه صفر دال بر نبود تأثیر از تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود رد شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از مدل دوم تحلیل رگرسیون ترکیبی (با متغیر تعدیل‌گر در مدل)، ضریب تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار ۰/۰۸۳- است. آماره آزمون با مقدار ۴/۰۳۹- کوچک‌تر از نسبت بحرانی ۱/۹۶ است. به بیان دیگر احتمال خطای محاسبه شده آن کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرضیه صفر دال بر نبود تأثیر از تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود رد شده است. بنابراین بر اساس تئوری احتمالات با رد فرضیه‌های صفر، فرضیه مخالف آن در نقش فرضیه ادعای تحقیق تأیید شده است. این نتایج بیانگر این است که با افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت سود کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش به صورت معکوس تأیید شده است.

بر اساس نتایج به‌دست آمده از مدل دوم تحلیل رگرسیون ترکیبی، ضریب تأثیر تعاملی جنسیت کمیته حسابرسی و تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به مقدار ۰/۱۱۷- است. آماره آزمون با مقدار ۲/۱۰۲- کوچک‌تر از نسبت بحرانی ۱/۹۶- است. به بیان دیگر احتمال خطای محاسبه شده آن کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرضیه صفر دال بر نبود تأثیر از تعامل جنسیت کمیته حسابرسی و تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در سطح ۰/۰۵٪ اطمینان رد و فرضیه سوم پژوهش تأیید شده است. بنابراین بر اساس تئوری احتمالات با رد فرضیه‌های صفر، فرضیه مخالف آن در نقش فرضیه ادعای تحقیق به صورت معکوس تأیید شده است و نتیجه بیانگر این است که با افزایش تعامل جنسیت و تخصص مالی در کمیته حسابرسی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت سود آن‌ها کاهش می‌یابد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی و جنسیت در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران انجام است. برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش، یک دوره زمانی نه سال و دامنه بین سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ و تعداد ۱۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده و با کاربرد تحلیل رگرسیون تابلویی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس شواهد پژوهش و تئوری احتمالات، تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران معنادار نیست. جنسیت در کمیته حسابرسی در این فرضیه مربوط به زنان است. بنابراین افزایش درصد جنسیت زنان در کمیته حسابرسی منجر به تغییرات کاهشی یا افزایش در مدیریت سود نشده است. به بیان دیگر مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران قابل پیش‌بینی از طریق درصد زنان در کمیته حسابرسی نیست. نتیجه فرضیه، مطابق با انتظار پژوهش مشاهده نشده است. نتیجه این فرضیه همسو با یافته خمیرانی (۱۳۹۷) و پوندساک (۲۰۱۹) است که در آن تأثیر تخصص جنسیت کمیته حسابرسی بر مدیریت

سود تأیید نشده است. نتیجه فرضیه مغایر با یافته پژوهش دارایی و اژدری (۱۳۹۷)، مرادی و همکاران (۱۳۹۷) و زالاتا^{۴۱} و همکاران (۲۰۱۸) است که در آن بین جنسیت و مدیریت سود ارتباط معناداری مشاهده شده است.

بر اساس شواهد پژوهش و تئوری احتمالات، تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران به صورت معنادار است. بنابراین افزایش درصد افراد متخصص در کمیته حسابرسی منجر به کاهش در مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. به بیان دیگر مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران قابل پیش‌بینی از طریق درصد افراد متخصص در کمیته حسابرسی است. به عبارتی این ویژگی‌ها می‌تواند بر میزان و جهت مدیریت سود واقعی شرکت اثر داشته باشد. همچنین این ویژگی‌ها به‌عنوان بخشی از اجزای حاکمیت شرکتی می‌تواند در جهت همسویی منافع سهامداران و مدیران به‌کار روند. بررسی اثر ویژگی تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود حاکی از این است که تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر منفی دارد.

نتیجه فرضیه، مطابق با انتظار پژوهش مشاهده شده است. نتیجه این فرضیه همسو با یافته خمیرانی (۱۳۹۷)، مرادی و همکاران (۱۳۹۷)، فرخی و همکاران (۱۳۹۶)، نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) و زالاتا و همکاران (۲۰۱۸) است که در آن تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود به صورت معکوس تأیید شده است. نتیجه فرضیه مغایر با یافته پژوهش العیسی^{۴۲} و همکاران (۲۰۱۸) در کشور مالزی است که در این پژوهش تأثیر تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود معنادار مشاهده نشده است. نتیجه این فرضیه با دیدگاه نظریه نمایندگی قابل تبیین است.

بر اساس نتایج پژوهش جنسیت در کمیته حسابرسی تأثیر معناداری ندارد و تخصص مالی دارای تأثیر معنادار بر کمیته حسابرسی می‌باشد در حالی که تأثیر تعاملی جنسیت کمیته حسابرسی و تخصص مالی در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران به صورت معنادار است. بنابراین با افزایش همزمان درصد حضور زنان و افزایش درصد افراد متخصص در کمیته حسابرسی، مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران کاهش می‌یابد. به بیان دیگر مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران قابل پیش‌بینی از طریق تعامل درصد حضور زنان و درصد افراد متخصص در کمیته حسابرسی است. نتیجه فرضیه، مطابق با انتظار پژوهش مشاهده شده است. اما شواهدی دال بر مطالعه اثرات تعاملی دو متغیر در پژوهش داخلی وجود ندارد. نتیجه فرضیه مطابق و همسو با یافته پژوهش زالاتا و همکاران (۲۰۱۸) است که در این پژوهش تأثیر تعاملی حضور جنسیت زن و تخصص مالی کمیته حسابرسی در کاهش مدیریت سود معنادار مشاهده شده است.

نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در زمینه انتخاب و انتصاب اعضای کمیته‌های حسابرسی مد نظر قرار گیرد. همچنین با در نظر گرفتن سابقه محدود تشکیل کمیته‌های حسابرسی در ایران نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به تدوین‌کنندگان منشور کمیته حسابرسی و ماده ۱۰

دستورالعمل کنترل داخلی بورس اوراق بهادار کمک نماید تا به ارزیابی اثربخشی کمیته‌های حسابرسی کمک نماید.

بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با استناد به فرضیه اول پژوهش درصد جنسیت زن در کمیته حسابرسی منجر به ایجاد تغییرات در مدیریت سود نمی‌شود. بنابراین وجود زنان به‌خودی‌خود موجب کاهش مدیریت سود نشده است، هرچند ادبیات پیشینه پژوهش اعتقاد دارند که اعضای هیئت‌مدیره زن استقلال فکری و ذهنی بیشتری دارند که می‌تواند موجب بهبود فرایند نظارتی شود. پژوهش آدامز و همکاران (۲۰۱۰) نشان داده است که سرمایه‌گذاران مایلند اعضای زن به هیئت‌مدیره شرکت‌ها اضافه شوند، چرا که اعضای زن تفکرات مستقل‌تری دارند و این موضوع برای اثربخشی فرایند نظارت بسیار حیاتی است. در پیشینه پژوهش داخلی نیز بعضی از پژوهش‌ها از وجود تأثیر از تأثیر و بعضی دیگر از نبود تأثیر از درصد جنسیت زن در کمیته حسابرسی بر مدیریت سود پشتیبانی کرده است، بنابراین به نظر می‌رسد که بررسی‌های بیشتر در این زمینه لازم است.

- با استناد به فرضیه دوم پژوهش تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. بنابراین افراد دارای دانش و تخصص مالی در کمیته حسابرسی می‌توانند با اثربخشی مناسب اقدام مدیریت در دستکاری ارقام تعهدی را خنثی کنند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش که ارتباط منفی بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود را نشان داده است، به سرمایه‌گذاران و سهامداران توصیه می‌شود هنگام استفاده از صورت‌های مالی جهت تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها، به تخصص اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌ها توجه لازم را داشته باشند و با کسب آگاهی از کیفیت کمیته حسابرسی می‌توانند نسبت به وقوع برخی رویدادها از جمله دستکاری سود توسط مدیران شرکت در تصمیمات خود این موضوع را مد نظر داشته باشند. از طرف دیگر تنظیم‌کنندگان و تدوین‌کنندگان مقررات در زمینه کمیته حسابرسی می‌توانند اقدامات و مقررات نظارتی را اعمال کنند تا این کمیته‌ها کار خود را به‌طور دقیق و مناسب انجام دهند. به مدیران و مسئولان سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که در راستای کاهش مدیریت سود و بهبود کارایی سرمایه‌گذاری راهکارهای عملی اتخاذ نمایند و نظارت بیشتری بر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی داشته باشند.

- با استناد به فرضیه سوم پژوهش تعامل درصد جنسیت زن در کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. بنابراین افراد دارای دانش و تخصص مالی با جنسیت زن در کمیته حسابرسی می‌توانند با اثربخشی مناسب مدیریت سود را کاهش دهد و نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در زمینه انتخاب و انتصاب اعضای کمیته‌های حسابرسی مد نظر قرار گیرد. از آن‌جا که کمیته حسابرسی دارای اعضای متخصص مالی می‌توانند به استقرار سیستم‌های گزارشگری کارآمد به‌منظور ارائه اطلاعات شفاف و قابل اتکا با توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان و سطح کمی و کیفی اطلاعات منتشر شده کمک کنند، در نتیجه هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌توانند در انتخاب اعضای این کمیته، اثربخشی آن را مد نظر قرار دهند.

بنابراین به سهامداران پیشنهاد می‌شود در انتخاب اعضای کمیته حسابرسی به این مهم توجه کنند. به طور خاص، نتایج می‌تواند ناظران و سیاست‌گذاران را به توصیه تنوع جنسیتی در ترکیب کمیته حسابرسی ترغیب کند. شواهد این پژوهش همچنین می‌تواند به گسترش ادبیات مرتبط با تنوع جنسیتی، هزینه‌های نمایندگی، مدیریت سود و خطر ورشکستگی منجر شود و توسط نهادهای قانون‌گذار مربوط به ترکیب کمیته حسابرسی به کار رود. به سرمایه‌گذاران و سهامداران در ایران نیز توصیه می‌شود هنگام استفاده از صورت‌های مالی جهت تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها، به تخصص اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌ها و از جنسیت زنان متخصص نیز در کمیته حسابرسی استفاده نمایند.

به پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که به‌جای مدیریت سود از متغیرهای دیگری مانند: شفافیت حسابداری، پایداری سود، مربوط بودن ارقام حسابداری، واکنش سود و ... استفاده نمایند تا اطلاعات بیشتری در این زمینه استخراج و به پیشینه پژوهش اضافه گردد. همچنین از دیگر متغیرهایی مانند دوره تصدی زنان و تحصیلات زنان در ارتباط تخصص مالی و مدیریت سود استفاده شود و همچنین نقش صنعت را در بررسی موضوع مورد توجه قرار داده و به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر مورد بررسی و مطالعه قرار دهند.

در این پژوهش محدودیت‌هایی نیز تجربه شده است که از جمله آن عدم افشای مناسب اطلاعات کمیته حسابرسی از سوی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است. دیگر محدودیت در این زمینه عدم رعایت مستقل بودن کمیته حسابرسی طبق منشور است که این موضوع می‌تواند بر یافته‌های تحقیق تأثیر بگذارد.

منابع

- انتظاریان، ناهید، (۱۳۹۲)، تأثیر بازار سرمایه بر بهبود فضای کسب‌وکار کشور، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه - شماره ۱۷۴.
- پور کاظمی، سید پوریا، غلامرضا پور محمد، عرب روح‌الله و رضا شمگانی (۱۴۰۰)، تأثیر جنسیت شریک موسسه حسابرسی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، شماره ۴.
- تاری وردی، یداله و قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه مدت مدیران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۴، شماره ۵۴.
- ثقفی، علی؛ برزیده، فرخ و طالبی نجف‌آبادی، عبدالحسین، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین تشکیل کمیته حسابرسی با از مؤسسان بودن مدیرعامل، اندازه و استقلال هیئت‌مدیره در شرکت‌های عرضه اولیه شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۱.
- جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- خرشادی، محمد؛ مرادی، محمدعلی و پایان، علی، (۱۳۹۸)، اثر حضور زنان در افزایش

اثربخشی کمیته حسابرسی: شواهدی از هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی در بورس اوراق بهادار تهران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۷، شماره ۳.

رضائی پیتنه‌نوئی، یاسر؛ محسنی، خدیجه، (۱۳۹۷)، بررسی ارتباط بین حضور زنان در هیئت‌مدیره و ضعف کنترل داخلی، شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، ص ۴۳۹-۴۵.

کرمی، غلام رضا؛ فرجی، امید و رحیم زاده، امین، (۱۳۹۷)، تخصص کمیته حسابرسی و مدیریت انتظارات، پژوهش‌های حسابداری مالی سال دهم، شماره اول، پیاپی ۳۵.

لاری دشت‌بیاض؛ محمود، قناد، مصطفی و فکور، حسین، (۱۳۹۷)، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۷۳.

معینیان، حسن؛ حیدریان، محسن و معینیان، حسین، (۱۳۹۸)، نقش تجربه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال سوم، شماره ۲۳.

مهام، کیهان؛ علی‌پور، سعید و طالبی، بهمن، (۱۳۹۴)، رابطه مدیریت سود با عملکرد بازار شرکت‌های توزیع‌کننده سود سهمی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۸.

Adams, R.B. and Ferreira, D. (2009) Women in the Boardroom and Their Impact on Governance. *Journal of Financial Economics*, 94, 291-309.

Alqatamin, R.M. (2018). Audit Committee Effectiveness and Company Performance: Evidence from Jordan. *Accounting and Finance Research*, 7(2), 08.

Arun, T. G., Almahrog, Y. E., & Aribi, Z. A. (2015). Female directors and earnings management: Evidence from UK companies. *International review of financial analysis*, 39, 137-146.

Arun, T. G., Almahrog, Y. E., & Aribi, Z. A. (2015). Female directors and earnings management: Evidence from UK companies. *International review of financial analysis*, 39, 137-146.

Bilal, Z. O., Twafik, O. I., & Bakhit, A. K. (2018). The Influence of Internal Auditing on Effective Corporate Governance in the Banking Sector in Oman. *European Scientific Journal*, ESJ, 14(7).

Carter, D.A., Simkins, B.J. and Simpson, W.G. (2003), 'Corporate Governance, Board Diversity, and Firm Value. *Financial Review*, 38 (1): 33-53.

Entezarian, Nahid (2013), Effective Capital market on Bussinece Process management , *Montely Social, Economic, Science and Job Cultural and society*, no 174.[in Persian]

Fogarassy, C., Neubauer, É., Mansur, H., Tangl, A., Oláh, J., & Popp, J. (2018). The main transition management issues and the effects of environmental accounting on financial performance—with focus on cement industry. *Administratie si Management Public* (31), 52-66.

GAO, Y. (2018). Board gender diversity, earnings quality and stock price informativeness. *American Journal of Industrial and Business Management*, 8(2), 306-312.

Gull, A. A., Nekhili, M., Nagati, H., & Chtioui, T. (2018). Beyond gender diversity: How

specific attributes of female directors affect earnings management. *The British Accounting Review*, 50(3), 255-274.

Habib, A., & Bhuiyan, M. B. U. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag. *Journal of international accounting, auditing and taxation*, 20(1), 32-44.

Huang, J.C. and Sheng, M.Q. (2013) Do Executive Background Features Have Information Content. *Management World*, 9, 144-171.

Huang, J.K. and Kisgen, D.J. (2013) Gender and Corporate Finance—Are Male Executives Overconfident Relative to Female Executives. *Journal of Financial Economics*, 108, 822-839.

Jakub, S., Viera, B., & Eva, K. (2015). Economic Value Added as a measurement tool of financial performance. *Procedia Economics and Finance*, 26, 484-489.

Jameie Reza and Roštaman Azadeh (2016), Effectiveness of Financial Expertise Member of Auditing Committee on Features Expected Profit, *Researches of Auditing and Financial*, no 8(29). [in Persian]

Karami gholamreza, Faraji Omid and Rahimzadeh Amin (2018), Expertise of the Audit Committee and Expectations Management, *Researches of Auditing and Financial*, First Year, no 35. [in Persian]

Kauhanen, A. (2017). Gender differences in corporate hierarchies. *IZA World of Labor*.

Kharashedi Mohammad, Moradi Mohammadali and Payani (2019), The Effect of Female Presence on Increase in the Effectiveness of the Audit Committee: Evidence from Agency Costs and Bankruptcy Risk in the Tehran Stock Exchange, *Women in Development and Politics*, no 17(3).

Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics and earnings management. *Journal of Accounting and Economics* 33 (3), 375-400.

Kogut, B., Colomer, J. and Belinkys, M. (2014) Structural Equality at the Top of the Corporation—Mandated Quotas for Women Directors. *Strategic Management Journal*, 35, 891-902.

Kothari, S. P., Mizik, N., & Roychowdhury, S. (2016). Managing for the moment: The role of earnings management via real activities versus accruals in SEO valuation. *The Accounting Review*, 91(2), 559-586.

Lari dasht biyaz, Ghand Moštafa and Fakoor Hossein (2018), investigate the relationship between the features of the audit committee and timely audit reports, 10th year, no 73. [in Persian]

Maham Keyhan, Alipour Saeed and Talebi Bahman (2015), Earnings Management and the Market Performance of Stock Dividend Distributing Firms, *JOURNAL OF EMPIRICAL RESEARCH IN ACCOUNTING*, no 5(18). [in Persian]

Moenian Hassan, heidarian Mohsen and Moenian Hossein (2019), The Role of Audit Committee Members' Experience and Financial Expertise on Earnings Quality, *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 3th year, no 23. [in Persian]

Niederle, M., & Vešterlund, L. (2007). Do women shy away from competition? Do men compete too much? *The quarterly journal of economics*, 122(3), 1067-1101.

Nielsen, S., & Huse, M. (2010). The contribution of women on boards of directors: Going beyond the surface. *Corporate governance: An international review*, 18(2), 136-148.

Nielsen, S., & Huse, M. (2010). The contribution of women on boards of directors: Going beyond the surface. *Corporate governance: An international review*, 18(2), 136-148.

Popescu, G. H. (2018). Participation in the sharing economy: Labor, exchange, and consumption. An empirical analysis. *Journal of Self-Governance and Management Economics*, 6(1), 122-127.

Pour Kazemi Pouriya, Gholamrezapour Mohammad, Arab Rohollah and Shamgani Reza (2021), The effect of Audit partners gender on the future stock price crash risk, Journal of Professional Auditing Research, no 4.[in Persian]

Rezaee noee, Yaser and Mohseni Khadijeh (2018), The Relationship between Board Gender Diversity and Internal Control Weaknesses in the Tehran Stock Exchange, Women in Development and Politics, no 3. [in Persian]

Saghafi Ali, Najaf Abadi Talebi Abdolhosein (2016), Investigation on Relation between constitutions of auditing committee with manager being among the founders, size and independence of Board of Directors in initial release companies, Accounting Research, no 8(31). [in Persian]

Strakova, L. (2020). Earnings management in global background. Paper presented at the SHS Web of Conferences.

Tariverdi Yadollah und Ghaderi Salahedin (2017), Investigation of The Role of Financial Expert Auditing Commite on Short time Attitude of Management, Emperial Study of Financial Accounting, no 14(54). [in Persian]

Valaskova, K., Bartosova, V., & Kubala, P. (2019). Behavioural aspects of the financial decision-making. Organizacija, 52(1), 22-31.

Valaskova, K., Kliestik, T., & Kovacova, M. (2018). Management of financial risks in Slovak enterprises using regression analysis. Oeconomia Copernicana, 9(1), 105-121.

پی‌نویس:

1. Greenberg and Mollick
2. Gao
3. Popescu
4. Valaskova et al
5. Valaskova et al
6. Strakova
7. Jakub et al
8. Fogarassy et al
9. Kothari et al
10. Kauhanen
11. Carter
12. Niederle & Vesterlund
13. Adams & Ferreira
14. Huang. and Kisgen
15. Kogut et al
16. Huang and Sheng
17. Gao
18. Klein
19. Alqatamin
20. Mansour
21. Song
22. Sanchez & Meca
23. Ayemere & Elijah
24. Patrick
25. Bilal
26. Nielsen & Huse
27. Earnings Management
28. Audit committee GENDER
29. Audit committee expertise
30. Auditor GENDER
31. Capital Structure
32. Growth
33. EXCEL, SPSS AND EViews
34. Levin, Lin & Chu
35. Pooled
36. Panel
37. Cross-section random
38. Fixed Effects
39. Redundant Fixed Effects Tests
40. Hausman
41. Zalata
42. Al-Absy

